

شناسایی و بازنمایی حوزه های ایستا و پویا در جغرافیای انتخابات استان گیلان

دکتر زهرا پیشگاهی فرد

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران sorour1334@yahoo.com

رقیه شریفی چابکی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۳

چکیده:

پس از تأسیس انقلاب اسلامی ایران، در فاصله سال های ۱۳۹۰-۱۳۵۷ شاهد برگزاری ۸ دوره انتخابات پارلمانی در ایران بودیم. در این دوران احزاب و جناح های سیاسی در انتخابات و تعیین نمایندگان پارلمانی نقش مهم و حساسی را بر عهده داشتند.

هدف اصلی این مقاله شناسایی و کشف حوزه های پویا و ایستا بر اساس جناح و نماینده در ۸ دوره انتخابات پارلمانی پس از انقلاب اسلامی ایران است. حوزه مورد مطالعه در این تحقیق، استان گیلان، است که در ۸ دوره انتخابات پارلمانی سهم زیادی در مشارکت سیاسی و انتخابات ایران داشته است.

این مقاله با روش تحلیلی و با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS سعی دارد به این پرسش ها پاسخ دهد که آیا در استان گیلان حوزه های پویا و ایستا از نظر جناح و نماینده وجود دارد؟ در صورت وجود حوزه های ایستا، جهت سیاسی حوزه های انتخابیه استان گیلان به کدام جناح است؟

نتایج بدست آمده در این تحقیق نشان می دهد که در طی ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در استان گیلان بعضی از حوزه های انتخابیه استان گیلان پویا و بعضی دیگر ایستا است. و گرایش اکثریت نمایندگان و ساکنین حوزه های انتخاباتی به سمت جناح راست است.

واژه های کلیدی: احزاب، جناح سیاسی، حوزه ایستا، حوزه پویا، استان گیلان.

مقدمه

انتخابات به عنوان ابزارهای مهمی هستند که از طریق آن منافع اجتماعی مختلفی بوجود می آید (کاکس؛ ۱۳۸۷؛ ۲۱۲). در عین حال انتخابات واسطی میان حزب و سیاست است. بدین معنی که اشکال زندگی شاید روش های متفاوتی را برای رسیدن به هدف مدنظر داشته باشد اما برای تداوم و حفظ انسجام و اجتماع و جامعه لازم است که در چهارچوب مشترک و از طریق میانجی و واسطه ای به نام انتخابات فعالیت کند (کاوایی راد؛ ۱۳۸۳؛ ۲۴۲). از این

رو انتخابات مدرن مشتمل بر رقابت میان احزاب سیاسی برای جلب حمایت رای دهندگان است (تیلور و جانسون ۱۳۸۶: ۷۷). از احزاب سیاسی امروزه به عنوان مهمترین نهاد سیاسی اجتماعی یاد می کنند (بیشه و ۱۳۸۵: ۵۷). زیرا احزاب، رابطه میان جامعه مدنی و کشور را در بر می گیرند و اغلب موفق ترین داوطلبان و کاندیداها را برای انتخابات فراهم می کنند. احزاب، سیاست ها را در طول انتخابات به رای دهندگان اعمال می کنند. دولت را شکل می دهند و تحت حاکمیت به وسیله انتخابات می توانند به این کار اقدام کنند و کسی که رای می دهد از این احزاب (گاهی به صورت دراز مدت) تبعیت می نماید (Agnew; 2008; 337). رای دهندگان تصمیم می گیرند چه می خواهند و احزاب در صدد راضی کردن رای دهندگان بر می آیند و بنابراین، احزاب عاملان نسبتاً منفعلی هستند که نظر سنجی های خصوصی را ترتیب می دهند، مسایل بسیار مهم جاری را شناسایی می کنند و سپس سیاست هایی را تدوین می کنند که آنان را در چشم اکثر رای دهندگان در اکثر حوزه های انتخاباتی از همه جذاب تر جلوه دهد (مویر؛ ۱۳۷۹: ۲۵۶).

حزب سیاسی به عنوان عاملی یکسان ساز دارای دو کارکرد عمده است. در بسیاری از کشورها نواحی حاشیه ای شیوه ها و سنت های شاخصی را پیگیری کرده اند، بهره گیری از این نواحی در جریان اصلی سیاست گذاری های احزاب سیاسی کشور نیز بر عهده احزاب ملی است. چنین نواحی غیر مرکزی و حاشیه ای عموماً از هسته اصلی کشور دور و غیر قابل دسترسی هستند. همین ویژگی باعث تداوم آداب و سنت ها متمایز شده است. احزاب سیاسی باید بر مؤلفه عدم دسترسی مناطق فائق آیند و پیغام خود را در سراسر مناطق و نواحی کشور بسط دهند. این فرآیند شامل انتشار فضایی نظریات حزب از مرکز و هسته کشور به حاشیه است (تیلور و جانسون ۱۳۸۶: ۹۶). به عبارت دیگر عامل جغرافیایی رای دهی در مسافت طولانی که از نظر فرهنگ منطقه ای و داخلی متفاوت بوده تغییرات فضایی را در حمایت از احزاب سیاسی مختلف نشان می دهد (Norton; 2007; 334).

در حال حاضر تغییرات فضایی در حمایت از ساختار جغرافیایی ایران به لحاظ طبیعی و الگوی توپوگرافیک دچار گسیختگی فضایی است. این ویژگی بر الگوی شکل گیری ملت و اقوام آن تاثیر گذاشته و ملتی ترکیبی دارای اقلیت های قومی حاشیه ای پدید آورده است. (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۸۶: ۸۴). به همین علت شکاف ملی که منتهی به تفاوت های عمده ای در ابعاد سیاسی می شود می تواند در رای دادن نیز حاصل شود (Short; 1993; 121). در این جاست که احزاب و جناح ها و گروه های سیاسی کشور می توانند نقش مهمی در جهت وحدت و انسجام ملی ایفا نمایند. از سوی دیگر می توانند در سیاست گذاری و تدوین استراتژی های مناطق حاشیه و تعیین سرنوشت آراء در دوره های آینده فعال باشند. از این رو روند محبوبیت احزاب در میان مردم و عوامل موثر در ازدیاد یا کاهش آن، پراکندگی جغرافیایی احزاب و بررسی تغییرات در مرزهای فضایی جناح های سیاسی از جمله مسائلی است که در جغرافیای انتخابات مطرح می شود (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۲: ۶۶).

این مقاله به یکی از مجموعه موضوعات جغرافیای انتخابات آن هم موضوع ایستایی و پویایی در هر یک از حوزه های انتخابیه در استان گیلان پرداخته است. در این فرایند؛ اولاً: گرایش اکثریت به جناح های مطرح در این استان تبیین شده و ثانیاً: حوزه های ایستا و پویا از نظر جناح و نماینده در استان مشخص شده است.

جایگاه احزاب و جناح های سیاسی در ایران:

آنالیز تجربی احزاب سیاسی و روابط آنها بویژه بیشتر بر رژیم های دموکرات در طول نیمه دوم قرن ۲۰ تاکید دارد و معمولاً فرض را بر این قرار می دهد که احزاب سیاسی از انتخابات و نظام های انتخاباتی نشأت می گیرد (www.elsevier.com). در حقیقت تولد واقعی احزاب به نیمه دوم قرن ۱۹ در انگلستان مربوط می شود (نقیب زاده؛ ۱۳۸۸؛ ۳۵). در ایران اندیشه مردم سالاری و حق مشارکت همه افراد در اداره امور کشور، دغدغه دیرینه ای است که قدمت آن حداقل به یکصد سال قبل بر می گردد (احمدی؛ ۱۳۸۹؛ ۱۵). حزب در ایران بعد از انقلاب مشروطه پا گرفت و احزاب به صورت علنی و رسمی خود را به جامعه ایران معرفی کردند (قمری؛ ۱۳۸۷؛ ۶۱).

اما با توجه به پیچیدگی های حاکم بر فضای سیاسی بعد از انقلاب تا به امروز کشور ایران بحث راجع به احزاب و گروه های سیاسی ایران کمی دشوار است. زیرا اولاً هیچ یک از گروه های سیاسی ایران امروز در قالب احزاب با مرام های تعریف شده و کلاسیک امروزی نمی گنجد. چرا که اکثر گروه ها و جناح ها دارای دیدگاه های مبتنی بر اعتقادات اسلامی بوده و اکثراً به عدم جدایی دین از سیاست معتقد هستند و این امر باعث تفاوت در روش ها و منش ها مابین جناح ها و احزاب ایران امروز با احزاب سیاسی دنیایی می شود که بر اساس تعریف های کلاسیک سیاست هستند و آن را به عنوان اصل حاکم بر جهان پذیرفته اند. ثانیاً کم تجربگی و نوپا بودن احزاب سیاسی ایران باعث آن شده که آن ها نتوانند به صورت تشکل های سازمان یافته مطابق استاندارد های متداول در دنیای سیاست امروز ظهور یابند؛ به عبارت دیگر سبک های سیاسی متداول در دنیای سیاست به هیچ وجه به طور کامل قابل تعمیم به هیچ یک از گروه ها و احزاب سیاسی ایران نیست (شادلو؛ ۱۳۸۷؛ ۱۸). و یا این که احزاب ایران در هیچ دوره ای فرصت تکامل آزادانه نیافته اند و از این رو، بعضی جنبه های احزاب بزرگ و مدرن اروپایی را نداشته اند و در یک چارچوب غربی نمی گنجد (سعیدی؛ ۱۳۸۲؛ ۹۸).

ثالثاً عدم شفافیت و موضع گیری ها و یا تغییر موضع گروه های سیاسی پس از گذشت زمان یکی دیگر از مشکلات در زمینه تقسیم بندی این گروه ها است. به هر تقدیر با توجه به برداشت های کلی از عملکرد مواضع این احزاب در گذشته و حال، همچنین اصطلاحات و عبارت متداول در مطبوعات و بین علمای سیاسی که به هر یک از گروه ها نسبت داده می شود (شادلو؛ ۱۳۸۷؛ ۱۸). می توان توضیحاتی در مورد احزاب و جناح های سیاسی ایران از بعد از انقلاب تا امروز در زیر ارائه کرد:

به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران، و تحول در قانون اساسی کشور زمینه مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی فراهم شد (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹؛ ۱۲۶) از همان آغاز انقلاب، موضوع انتخابات پارلمانی یکی از مؤلفه های جمهوریت مطرح شد و در پی قوام یافتن پایه های نظام در شورای انقلاب و به دنبال آن مجلس خبرگان اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۵۸ انجام یافت (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۸۰؛ ۵۵۳). در همین دوران بود که شاهد شکل گیری - تکثر سیاسی گسترده و ایجاد احزاب و گروه های سیاسی گوناگون بودیم. لیکن شرایط خاص سیاسی اجتماعی سال های نخست پس از انقلاب و موانع فرهنگی شکل گیری احزاب همچون بی اعتمادی به احزاب، تمایل به حرکت های توده ای موجب شد در فاصله کوتاهی از تنوع احزاب و گروه های سیاسی تا حد زیادی کاسته شود (شهرام نیا؛ ۱۳۸۵؛ ۵۵۰). در این بین تنها حزب جمهوری اسلامی به عنوان اولین و فراگیرترین حزب

در انتخابات زیر بنایی ترین نقش را بر عهده داشت (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۸۲: ۱۱). در دوره دوم از مقاطع سیاسی پس از انقلاب، یعنی سال های ۱۳۶۷-۱۳۶۰ عملاً تنوع جناح ها و احزاب سیاسی به حد بسیار محدودی رسید. شرایط جنگی کشور و وجود تلقی سنتی نسبت به رقابت های حزبی و جناحی که آن را مساوی تعرفه، فساد و اختلاف و بی ثباتی می دانستند، سبب فرو کاستی از رقابت های سیاسی شد (شهرام نیا؛ ۱۳۸۵: ۵۵۲). در طی این سال ها به تدریج دو جناح موسوم به چپ و راست از درون جناح اسلامی حاکم بیرون آمدند که به رقابت در قدرت درون دولت و مجلس پرداختند. در سال ۱۳۶۷ مجمع روحانیون مبارز به عنوان جناح سیاسی رقیب از جامعه روحانیت مبارز تهران جدا شد و وجود دو جناح رسمی را درون طبقه سیاسی حاکم عملی کرد (مرتجی؛ ۱۳۷۸: ۹). طی سال های بعد از جنگ، به تدریج شکل جدیدی از رقابت سیاسی در کشور گسترش یافت شکل گیری جناح های سیاسی رقیب بدون آن که با هم برخورد حذفی کنند برای اولین بار در ایران رخ داد (شهرام نیا؛ ۱۳۸۵: ۵۵۲). تحولات سال های بعد از ۱۳۷۶ موجب پیدایش گروه ها و احزاب و سازمان های جدید و گسترش مطبوعات مستقل و شکل گیری برخی نهادهای جامعه مدنی گردید بدین ترتیب از دوره پنجم مجلس به بعد گرایشات جناحی به دو دسته کلی چپ مدرن و راست مدرن در مقابل چپ سنتی و راست سنتی قرار گرفت (بشیری؛ ۱۳۸۷: ۸۷).

موقعیت تاریخی و جغرافیایی گیلان:

گیلان از سرزمین هایی است که عوامل تاثیر گذار جغرافیایی، موقعیت، شکل ناهمواری ها و آب و هوا نقش تعیین کننده و بسزایی در تحولات آن ایفا نموده است (امیرانتخابی؛ ۱۳۸۷: ۱۴۲). در حال حاضر این استان، از شمال به دریای خزر و کشور جمهوری آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می گردد (سالنامه آماری استان گیلان؛ ۱۳۸۷: ۳۱). از منظر جغرافیایی از چهارسو با موانع بزرگ طبیعی روبرو بوده است، در شمال با دریاچه بزرگ و بسته خزر و در غرب، جنوب و شرق با دیواره های بلند کوهستانی و جنگل های انبوه خزری احاطه شده است. در گذشته در داخل منطقه نیز زمین های باتلاقی، بیشه زارهای انبوه، رودخانه های متعدد و پر آب و اقلیمی بسیار مرطوب و ناسازگار آن برای هر مهاجمی به منزله ی یک خطر استراتژیک تلقی می شد. از این رو این منطقه به برکت خصیصه های جغرافیایی فوق سیال ها به استقلال کامل و نسبی از حکومت های پیرامون خود زیسته است (عظیمی دوبخشری؛ ۱۳۸۱: ۴۷). به همین علت ه.ل. رابینو مورخ انگلیسی این استان را دارالمرز ایران نام گذاری کرد (نوایی؛ ۱۳۷۷: ۵). از قرن هجدهم م. نام گیلان به عنوان دروازه اروپا بر سر زبان ها افتاد مراودات تجاری و سیاسی ایران بیشتر از طریق استان گیلان با کشورهای اروپایی صورت می گرفت؛ به طوریکه در قرن نوزدهم و بیستم. به دلیل همسایگی این استان با دولت روسیه؛ مورد توجه حکومت مرکزی ایران و دولت روسیه و انگلیس قرار گرفت. چنانکه بارها توسط دولت روسیه مورد تهاجم و تعرض واقع شد. در عین حال همواره در طول تاریخ این استان پایگاه مناسبی برای مخالفت با حکومت مرکزی ایران به شمار می رفته است. از سوی دیگر همکاری گیلان با جنبش مشروطیت بر کسی پوشیده نیست. هرچند جنبش مشروطه از گیلان آغاز نشد اما مجاهدین گیلان سهم بسیار مؤثری در به ثمر رساندن انقلاب مشروطیت ایران داشتند (حاج سید جواد؛ ۱۳۷۴: ۳۲). در تاریخ جنبش ها و نهضت های آزادی طلبانه ملت ایران نهضت جنگل یکی از درخشان ترین

آنهاست (رحمدل؛ ۱۳۷۲؛ ۱۴۳). جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک جنگلی در گیلان آغاز شد و براساس جمهوری خواهی استوار بود (امین؛ ۱۳۸۰؛ ۸۶). قیام های مردم گیلان در دوره پهلوی از جمله قیام دهقانان و کشاورزان که موجب ضعف حکومت مرکز شد یادآور سلحشوری و آزادی خواهی این خطه از ایران است. بعد از انقلاب اسلامی نیز علی رغم اینکه مردم گیلان رشادت های زیادی در جریان انقلاب انجام دادند؛ ولیکن وجود رشته کوه های البرز در مرزهای جنوبی گیلان پایگاه مناسبی برای مخالفین حکومت مرکزی و دولت ایران به شمار می آمد.

تقسیمات سیاسی - انتخاباتی استان گیلان:

با تغییر مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی؛ کمیسیون شماره ۱ شورای انقلاب اسلامی ایران جدول حوزه بندی انتخابات را مورد تصویب قرار داد (اصلاح عربانی؛ ۱۳۷۴؛ ۶۲۲). بر طبق قانون تقسیمات کشوری ایران؛ حوزه های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی الامکان از یک یا چند شهرستان خواهد بود محدوده منطبق بر محدوده شهرستان ها و هر حوزه انتخاباتی متشکل حوزه های انتخابات را قانون معین می کند (حافظ نیا؛ ۴۷۷، ۱۳۸۱). نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز بر طبق اصول ۶۲ و ۶۳ برای چهار سال از حوزه انتخابیه سراسر کشور، با رای مردم ساکن در هر حوزه انتخاب می شوند (همان؛ ۴۵۰). بر طبق توضیحات بالا در حال حاضر استان گیلان دارای ۱۱ حوزه انتخابیه و ۱۳ نماینده می باشد. بدین ترتیب که حوزه های آستارا، آستانه اشرفیه، بندر انزلی، تالش، رودبار، رودسر، صومعه سرا، فومن، لاهیجان، لنگرود هر کدام دارای یک نماینده و حوزه انتخابیه رشت دارای ۳ نماینده می باشد (اصلاح عربانی؛ ۱۳۷۴؛ ۶۲۲).

گرایش جناحی در استان گیلان:

از سال ۱۳۵۸ که اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام شد، مردم مشارکت مدنی را در یک نظام جمهوری آغاز کردند. به نسبتی که اثر حضور مردم در عرصه انتخابات برای آنان مشهود می شد. هم به میزان حضورشان افزوده می شد و هم معیارهای خود را برای انتخابات نماینده بهینه می کردند (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۸۰؛ ۱۶۳). در این تحقیق در فرایند جریان رسمی احراز نمایندگی به فراز و نشیب هایی که بر سر راه نمایندگان حوزه قرار داشته پرداخته و تمایلات سیاسی مردم را در هر دوره ی انتخابات نسبت به چهار گروه اصلی کشور یعنی لیبرال، راست (روحانیت)، چپ (روحانیون) و مستقل مورد سنجش قرار گرفته است (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹؛ ۱۷۸). قابل ذکر است دوره های مورد مطالعه، به جهت برخی ملاحظات، به دو مقطع تقسیم می شود؛ مقطع نخست از دوره اول تا ششم، و مقطع بعدی از دوره ششم تا هشتم است که هر دو دوره ویژگیهای خاص خود را دارند (حمزه؛ ۱۳۸۷؛ ۱۰۸). تعیین گرایشات جناحی نمایندگان دوره (اول تا ششم مجلس شورای اسلامی) با توجه به دو جریان اصلی سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی، یعنی جریان روحانیت مبارز و روحانیون مبارز و افرادی که خارج از همسویی با این دو جریان وارد مجلس شده اند به عنوان مستقل یا لیبرال (ملی مذهبی) خوانده می شوند، در حوزه های انتخابیه استان مورد بررسی قرار گرفته است.

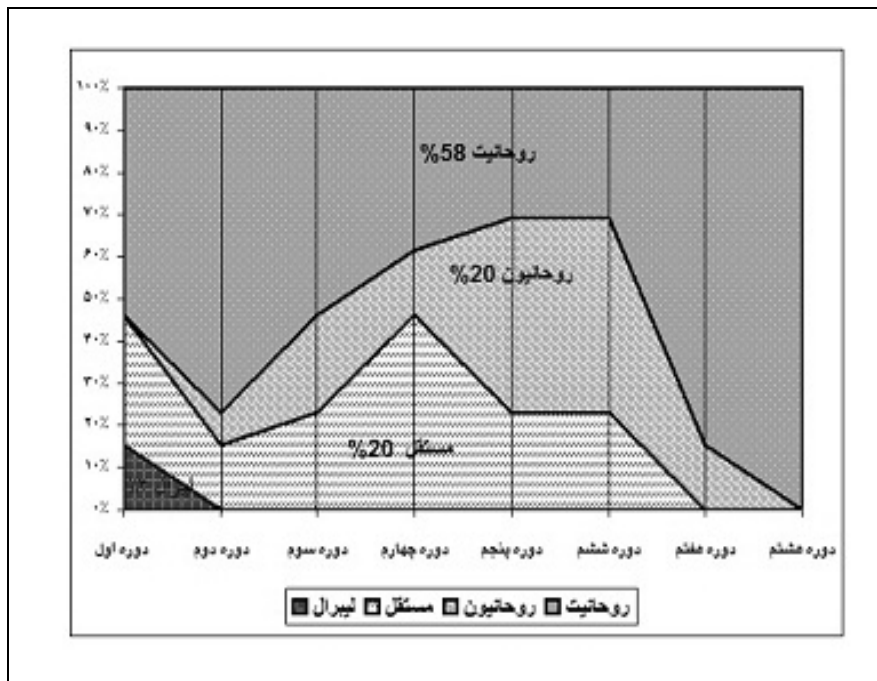
از دوره ششم مجلس به بعد گرایشات جناحی به دو دسته کلی اصلاح طلب و اصول گرا تقسیم می شوند که در مطالعه انجام شده روند تغییرات گرایشات جناحی نمایندگان طی هر دوره نمایندگی در استان گیلان نمایش داده شده است.

در مجموع در این مقاله به طرفداران جناح روحانیت که امروزه از آنها به نام اصولگرا یاد می شود به جناح راست و به مجموعه طرفداران طیف روحانیون مبارز به نام چپ یاد می شود.

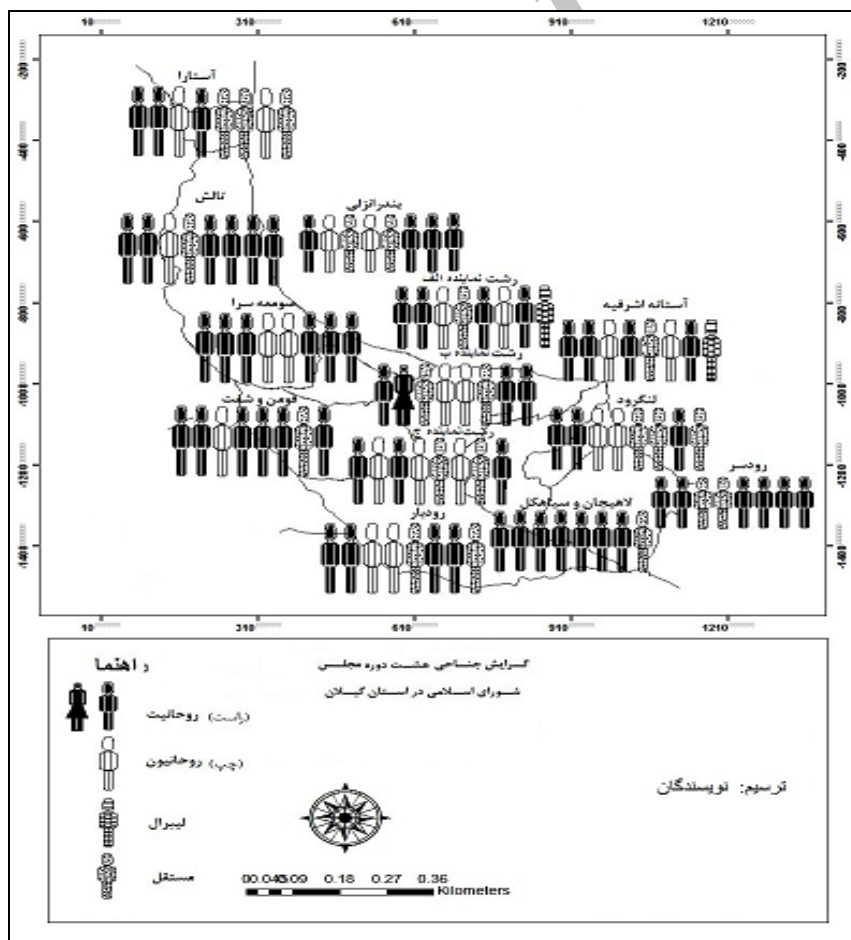
در دوره اول مجلس از کل ۱۳ نماینده استان گیلان، ۷ نماینده از جناح روحانیت و ۴ نماینده مستقل و ۲ نماینده از جناح لیبرال بوده اند (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹؛ ۸۰). اکثریت کرسی های مجلس را در استان گیلان نمایندگان جناح روحانیت با ۵۳.۸٪ و مستقلین با ۳۰.۸٪ و جناح لیبرال ۱۵.۴٪ کرسی مجلس را در اختیار داشتند. و در طی دوره دوم مجلس از کل ۱۳ نماینده استان گیلان، ۱۰ نماینده از جناح روحانیت و ۲ نماینده مستقل و ۱ نماینده از جناح روحانیون بوده اند (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹؛ ۸۰). در این دوره به ترتیب بیشترین کرسی مجلس را جناح روحانیت با ۷۶.۹٪ و مستقلین با ۱۵.۴٪ و جناح روحانیون ۷.۷٪ را بدست آوردند. و در دوره سوم مجلس نیز، ۷ نماینده از جناح روحانیت و ۳ نماینده از جناح مستقل و ۲ نماینده از جناح روحانیون بودند (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹؛ ۸۰). جناح روحانیت با ۵۳.۸٪ بیشترین کرسی و سپس جناح روحانیون و مستقل به طور مساوی ۲۳.۱٪ کرسی مجلس را در اختیار گرفتند. در طی دوره چهارم مجلس، ۶ نماینده از جناح مستقل و ۵ نماینده از جناح روحانیت و ۲ نماینده از جناح روحانیون بودند (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹؛ ۸۰). برخلاف دوره های قبل که جناح روحانیت بیشترین کرسی را در اختیار داشتند. مستقلین با ۴۶.۱٪ بیشترین کرسی مجلس را در استان گیلان و سپس جناح روحانیت با ۳۸.۵٪ و جناح روحانیون با ۱۵.۴٪ کرسی مجلس را در اختیار گرفتند. و در دوره پنجم مجلس، ۶ نماینده از جناح روحانیون و ۴ نماینده از جناح روحانیت و ۳ نماینده مستقل بوده اند (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹؛ ۸۱). در این دوره بیشترین کرسی مجلس را گیلان جناح روحانیون با ۴۶.۱٪ را در اختیار گرفتند. و جناح روحانیت ۳۰.۸٪ و مستقلین ۲۳.۱٪ کرسی مجلس را در استان کسب کردند. در دوره ششم مجلس، ۷ نماینده از جناح چپ (روحانیون) و ۳ نماینده از جناح راست (روحانیت) و ۳ نماینده مستقل بوده اند (www.majlis.ir). بیشترین کرسی را جناح چپ با ۵۳.۸٪ در استان بدست آوردند. و جناح راست (روحانیت) و مستقلین ۲۳.۱٪ کرسی مجلس را در اختیار داشتند. در دوره هفتم مجلس از ۱۳ نماینده استان گیلان، ۱۱ نماینده از جناح راست (روحانیت) و ۲ نماینده از جناح چپ (روحانیون) بودند (www.majlis.ir). در این دوره جناح راست (روحانیت) ۸۴.۶٪ و جناح چپ (روحانیون) ۱۵.۴٪ کرسی مجلس را در اختیار داشتند. و سرانجام در دوره هشتم مجلس از ۱۳ نماینده استان گیلان، تمامی نمایندگان از جناح راست (روحانیت) بودند (www.majlis.ir). و ۱۰۰٪ کرسی مجلس را در استان گیلان در اختیار گرفتند.

بدین ترتیب از مجموع ۱۰۴ نفر نماینده در طی ۸ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی مردم استان گیلان به ۶۰ نفر از جناح روحانیت (راست)؛ ۲۱ نفر از جناح روحانیون (چپ)؛ ۲۱ نفر از جناح مستقل و ۲ نفر از جناح لیبرال رای داده اند بدین ترتیب در استان گیلان جناح روحانیت (راست) ۵۸٪، جناح روحانیون (چپ) ۲۰٪، مستقلین ۲۰٪ جناح لیبرال ۲٪ گرایش داشته اند. (نمودار شماره ۱).

نمودار شماره ۱. گرایش جناحی هشت دوره نمایندگان مجلس شورای اسلامی در استان گیلان



ترسیم از نویسندگان



شکل شماره ۱. نقشه بررسی گرایش و چرخش جناحی در ۸ دوره انتخابات پارلمانی در استان گیلان (از راست به چپ دوره ی اول تا هشتم)

بررسی حوزه های ایستا و حوزه های پویا^۱

با ورود افکار و اندیشه‌های مختلف در فضای سیاسی کشور به همراه شعارها و اهداف مطروحه از سوی رهبران احزاب و جناح‌های سیاسی و فکری که به دنبال جذب طرفداران خاص خود مابین گروه‌های مختلف سنی با میزان تحصیلات متفاوت و از سطوح مختلف طبقات و گروه‌های اجتماعی با خواستگاه‌های مختلف در عرصه جغرافیایی کشور همواره دو جریان وجود خواهد داشت یکی جریان ورود این افکار و احزاب جدید در فضای سیاسی مناطق، و تلاش مستمر جهت پایداری و ایستایی در حوزه‌ها برای رسیدن به حد نهایی مطلوبیت و دریافت حداکثر آراء، که در این کار از روش‌های گوناگون تبلیغاتی و حتی بهره‌گیری و توجه به فرهنگ سیاسی اقوام و نیز سابقه تاریخی آنان استفاده می‌شود. در جریان بعدی توده مردم قرار دارند که بطور مدام تحت آماج تبلیغات و تزریق افکار جدید و شعارهای احزاب قرار دارند. نهایتاً مردم با در نظر گرفتن همه مسائل مذکور و داشتن تجربه سیاسی، رفتارهای انتخاباتی را از خود بروز می‌دهند (حمزه؛ ۱۳۸۷: ۸). الگوهای واحد رفتار انتخاباتی در دوره‌های مختلف انتخابات در قلمرو های انتخاباتی کانون‌های ایستا و پویا را شکل می‌دهند. لذا یافتن کانون‌های تغییرات از لحاظ تغییر در گرایش‌ها و چرخش جناحی نمایندگان حوزه‌ها، می‌تواند شاخص‌هایی جهت ارزیابی پویایی و ایستایی حوزه‌های گوناگون کشور باشد. با توجه به پیشرفت‌های صورت گرفته در علم جغرافیای سیاسی فرایند ترسیم نقشه نتایج انتخاباتی برای شناخت دقیق روابط قدرت‌های سیاسی کاملاً ضروری است. اما نحوه ترسیم نقشه‌های انتخاباتی نیازمند دقت و ظرافت بسیار زیادی است. فن آوری ترسیم نقشه می‌تواند تفسیرهای متفاوت یا حتی متضادی را به دنبال داشته باشد (ایولاکست؛ ۱۵۱). بنابراین در این تحقیق سعی شده از روش سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS جهت عملکرد بهتر در تشخیص حوزه های پویا و ایستا طی دوره های مختلف مجلس شورای اسلامی استفاده شود.

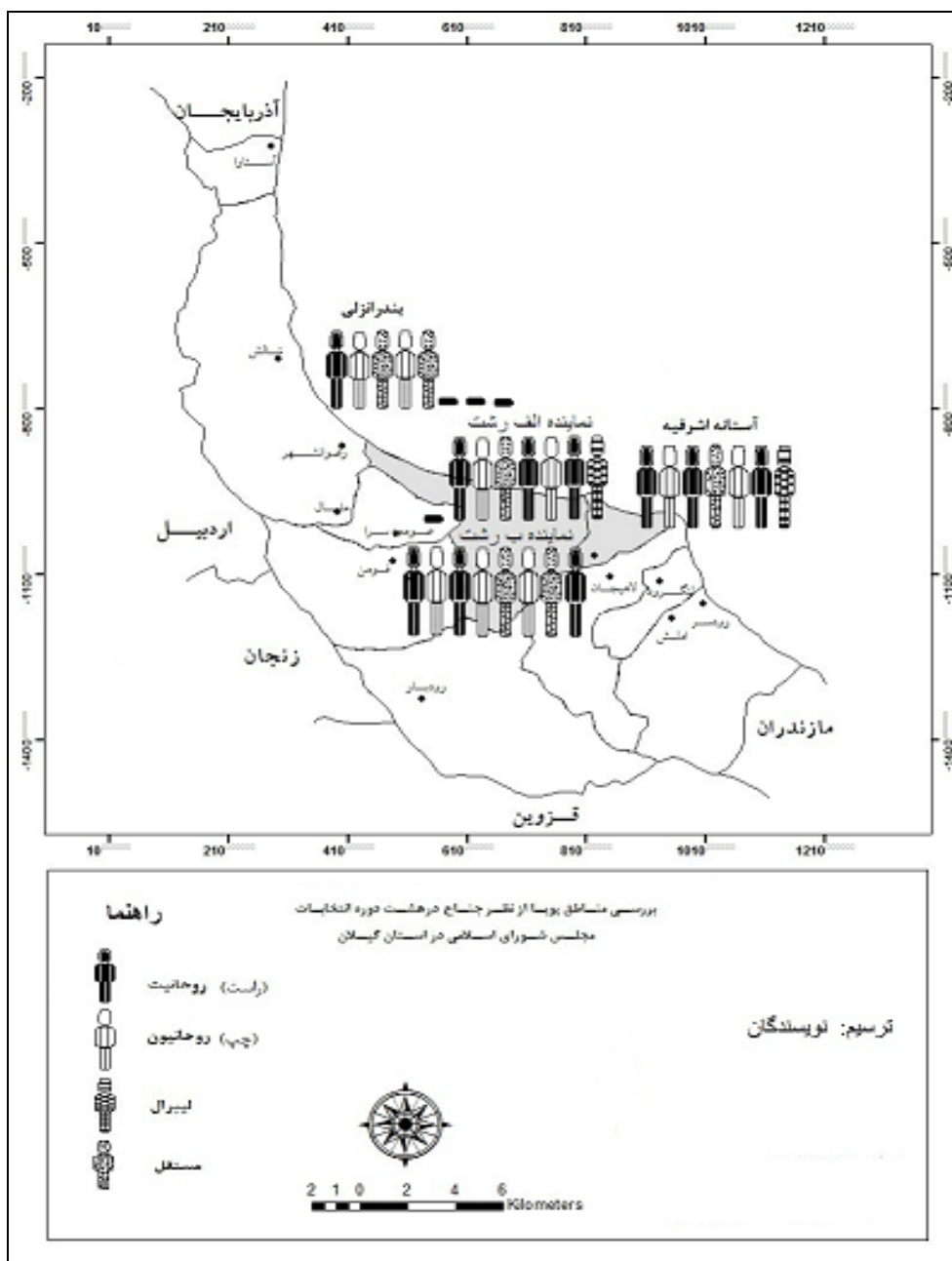
بررسی حوزه های پویا

حوزه های پویا به آن دسته از حوزه هایی اطلاق می شود که یا در جناح یا در نماینده یا در هر دو چرخش و تغییر داشته اند و این چرخش حداقل ۴ دوره مجلس را در بر گرفته است (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹: ۱۲).

پویا از نظر جناح

از جمله حوزه های پویا در جناح می‌توان از حوزه آستانه اشرفیه در طی دوره اول تا هفتم مجلس شورای اسلامی نام برد که به ترتیب در این حوزه جناح‌های لیبرال، روحانیت، روحانیون، مستقل، روحانیت، روحانیون، روحانیت، چرخش داشته است. در حوزه بندر انزلی از دوره چهارم تا هشتم جناح‌های مستقل، روحانیون، مستقل، روحانیون و روحانیت متغیر بوده اند. نماینده « الف » رشت از دوره اول تا دوره هفتم با جناح‌های لیبرال، روحانیت، مستقل، روحانیت، مستقل، روحانیون، روحانیت تغییر یافته است. نماینده « ج » رشت از دوره اول تا دوره هشتم در جناح‌های روحانیت، مستقل، روحانیون، مستقل، روحانیت، روحانیون، روحانیت، روحانیت، روحانیون و روحانیت تغییر یافته است. در سایر حوزه های مورد مطالعه اکثر جناح‌ها در دو یا سه دوره متوالی تسلط داشته اند و فعال نبوده اند (نقشه شماره ۲).

^۱ موضوع شناسایی حوزه های ایستا و پویا برای اولین بار توسط دکتر پیشگاهی فرد در غالب طرح جغرافیای پارلمانی کل کشور مطرح شد.



شکل شماره ۲. نقشه بررسی حوزه های پویا از نظر جناح در ۸ دوره انتخابات پارلمانی در استان گیلان

پویا از نظر نماینده

از حوزه های فعال از نظر تغییر نماینده می توان از حوزه تالش نام برد که در شش دوره اول نمایندگان متفاوتی داشته است. نماینده «الف» و نماینده «ج» رشت از دوره اول تا دوره هشتم در انتخاب شخص نماینده متغیر بوده اند. حوزه فومن و شفت، و حوزه لنگرود از دوره چهارم تا هشتم در انتخاب شخص نماینده دارای چرخش بوده اند. در سایر حوزه های مورد مطالعه اکثر نمایندگان در دو یا سه دوره متوالی تسلط داشته اند و فعال نبوده اند (نقشه شماره ۳).



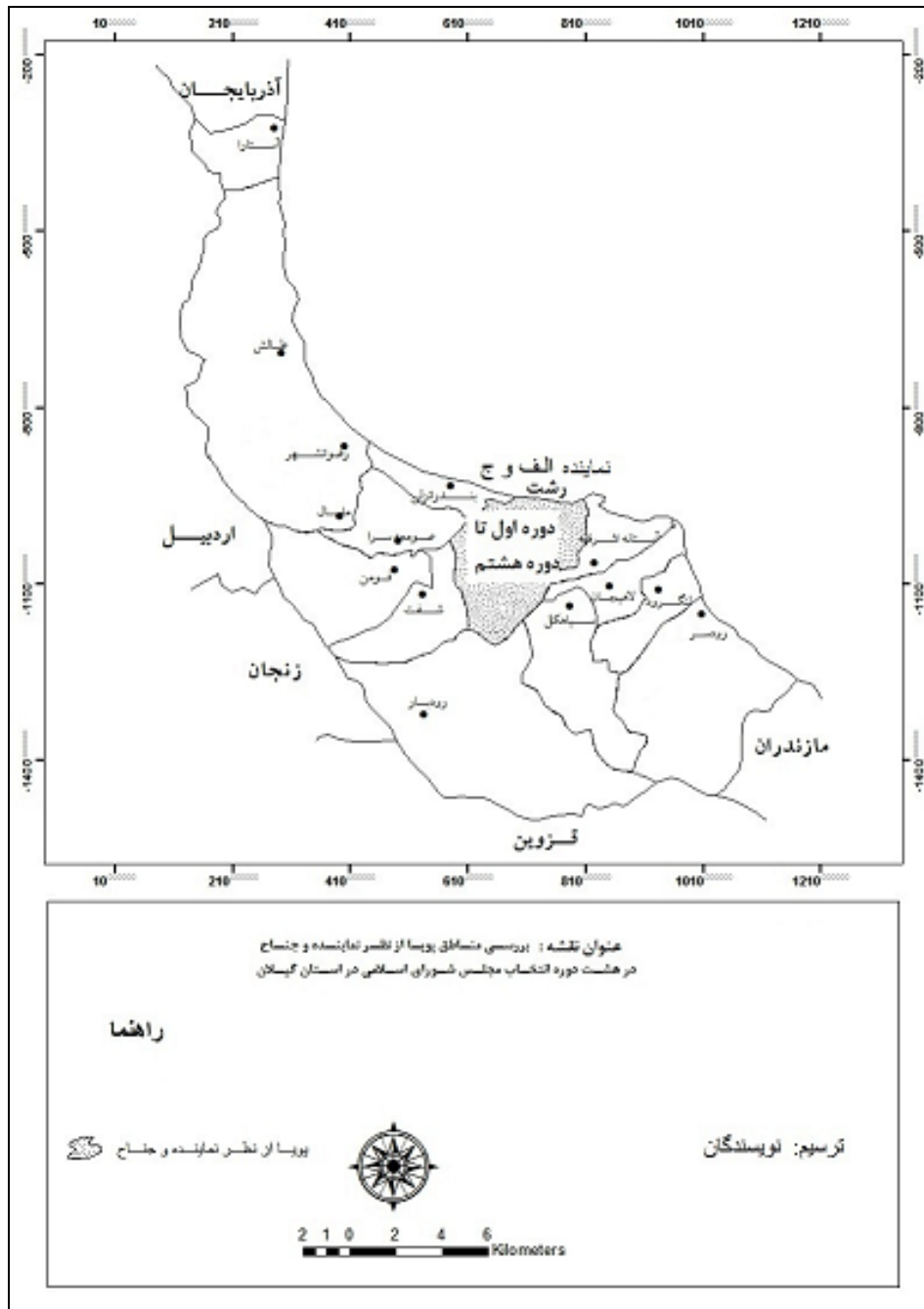
شکل شماره ۳. نقشه بررسی حوزه های پویا از نظر نماینده در ۸ دوره انتخابات پارلمانی در استان گیلان

پویا از نظر نماینده و جناح

نماینده « الف » رشت از دوره اول تا دوره هفتم در انتخاب شخص و جناح نماینده فعال بوده اند. نماینده « ج » رشت از دوره اول تا دوره هشتم از نظر جناح و نماینده بوده است (نقشه شماره ۴).

حوزه های ایستا

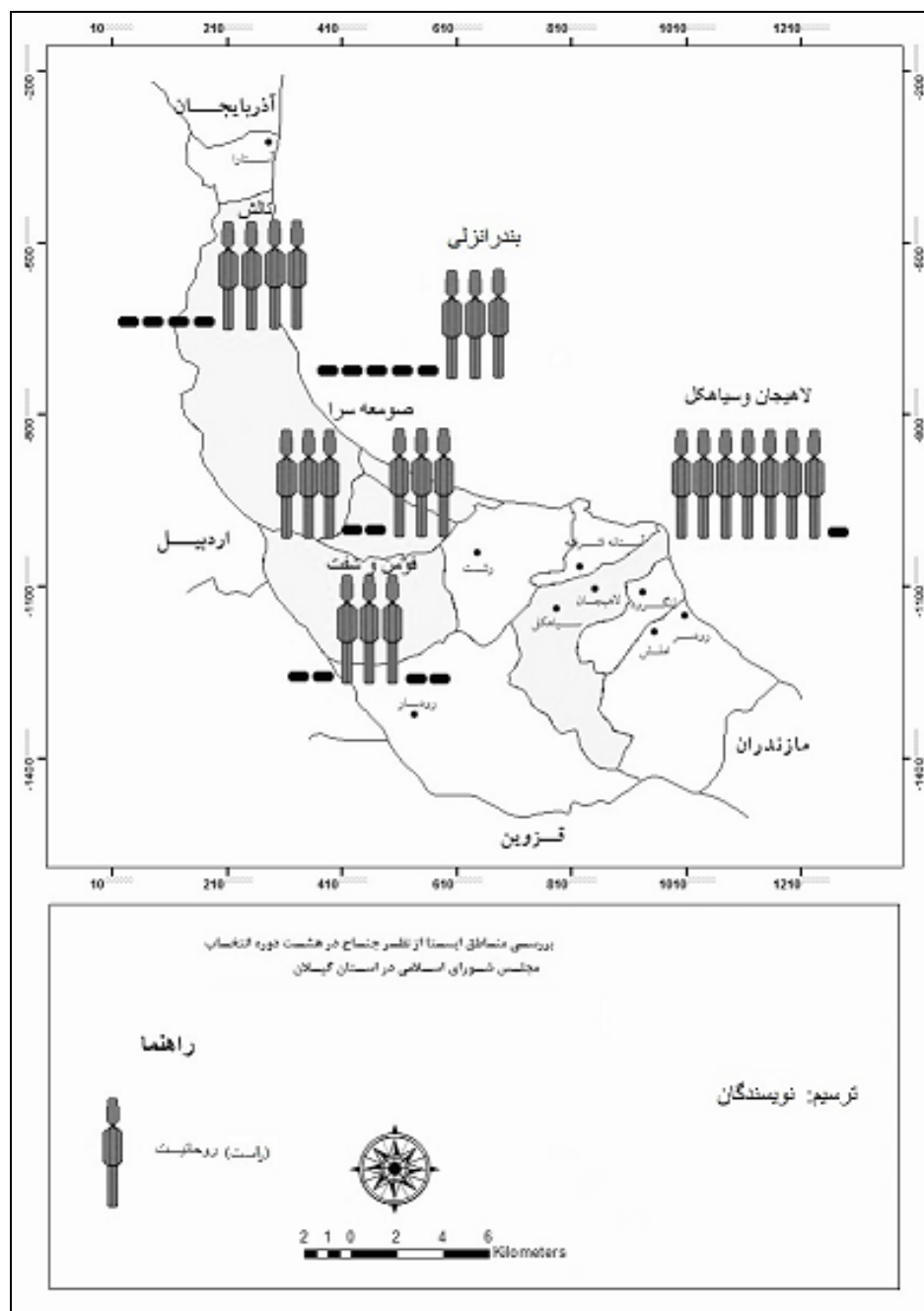
حوزه های ایستا به آن دسته از حوزه هایی گفته می شود که یا در جناح یا در نماینده یا در هر دو چرخشی حداقل در سه دوره ی مجلس نداشته باشد (پیشگاهی فرد؛ ۱۳۷۹: ۱۲).



شکل شماره ۴. نقشه بررسی حوزه های پویا از نظر جناح و نماینده در ۸ دوره انتخابات پارلمانی در استان گیلان

ایستا از نظر جناح

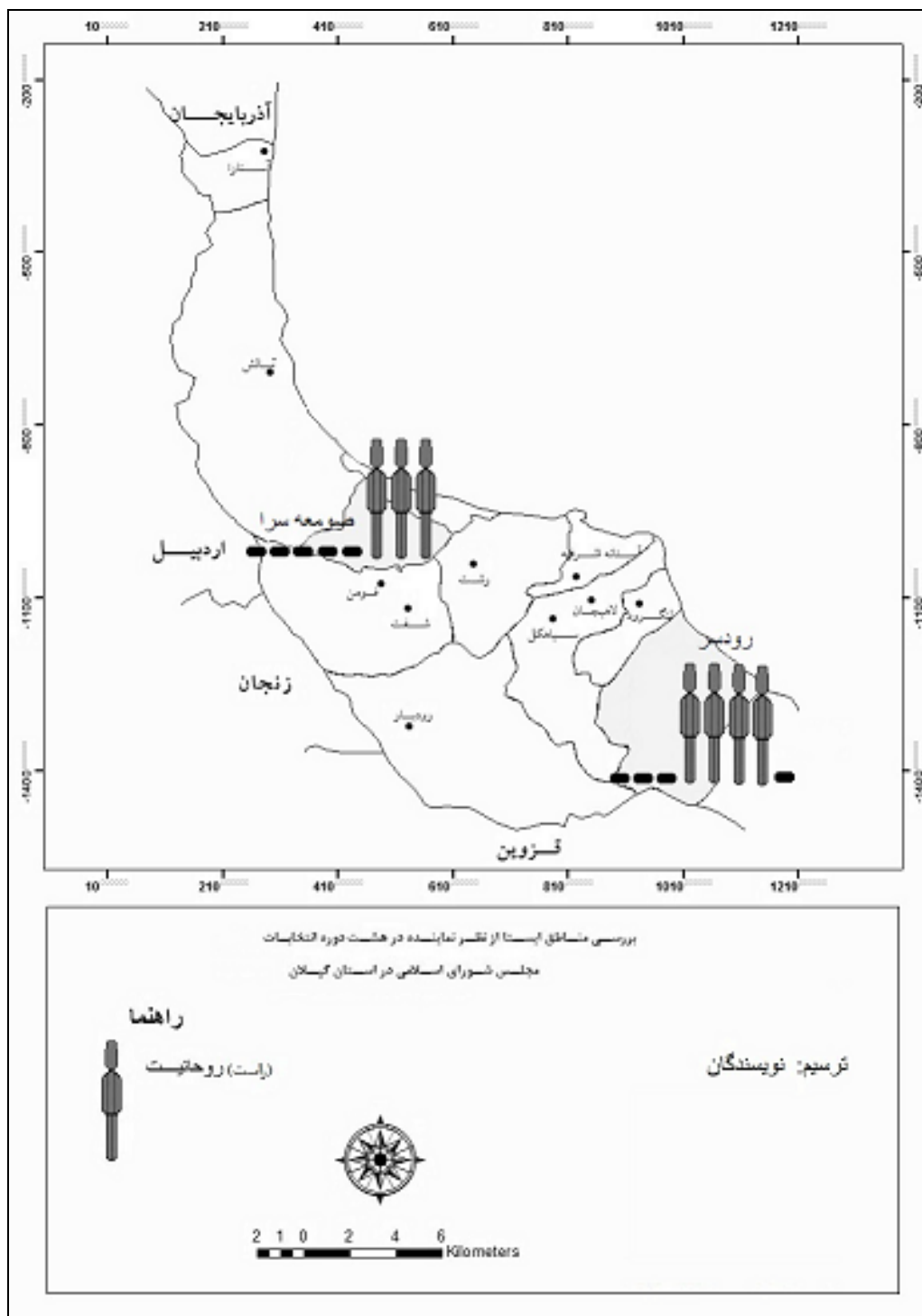
از ۱۱ حوزه استان گیلان در طی ۸ دوره حوزه بندر انزلی در سه دوره اول در جناح روحانیت ثابت بوده است. حوزه تالش در چهار دوره اول با جناح روحانیت ایستا بوده است. حوزه صومعه سرا در دوره های اول تا سوم و سپس از دوره ششم تا هشتم هیچ تغییری در جناح روحانیت صورت نگرفته است. در حوزه فومن از دوره سوم تا پنجم در جناح روحانیت ثابت بوده است. حوزه لاهیجان نیز از دوره دوم تا هشتم هیچ چرخشی در جناح روحانیت صورت نگرفت و ایستا بوده است (نقشه شماره ۵).



شکل شماره ۵. نقشه بررسی حوزه های ایستا از نظر جناح در ۸ دوره انتخابات پارلمانی در استان گیلان

ایستا از نظر نماینده

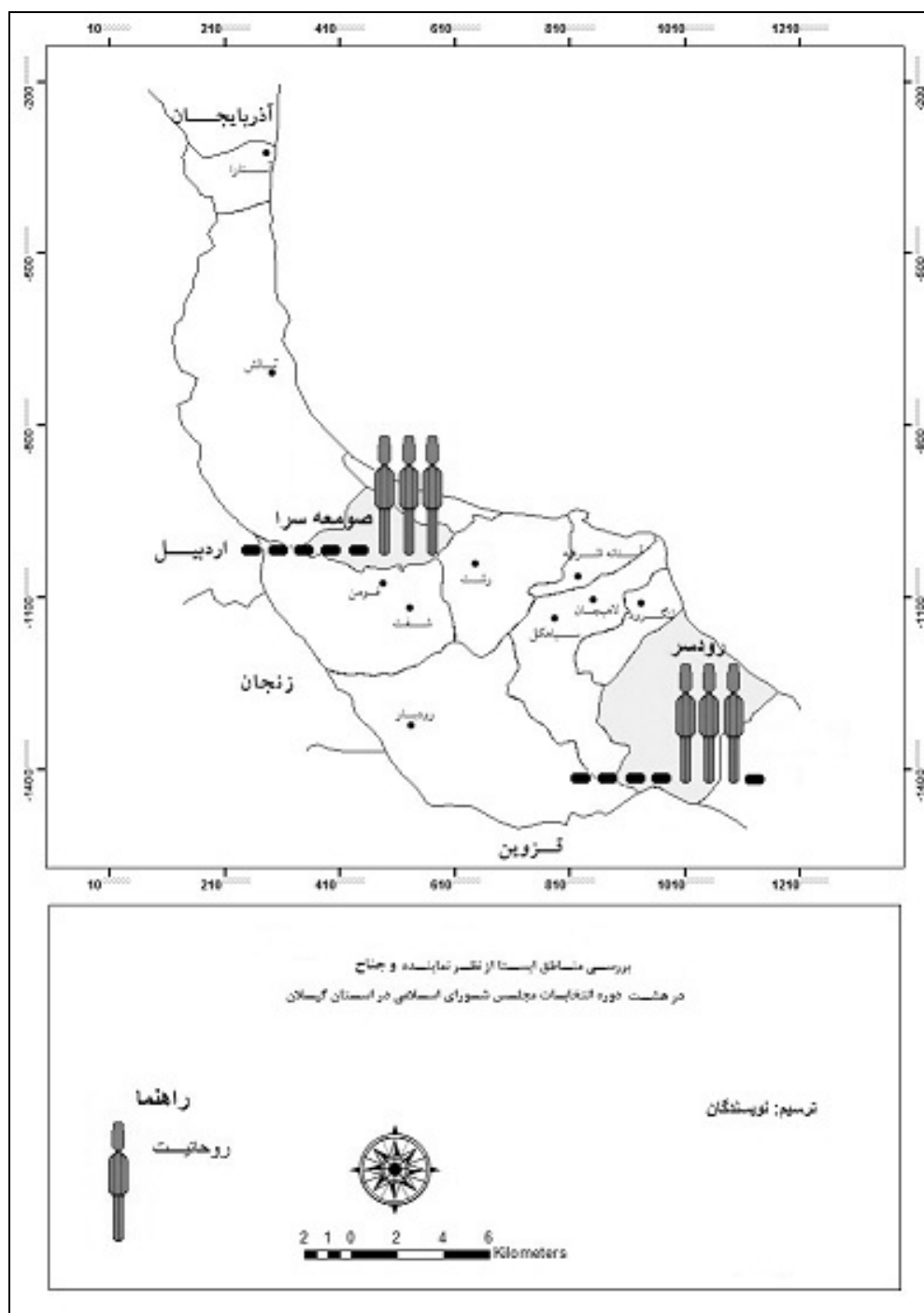
حوزه رودسر از دوره دوم تا پنجم و حوزه صومعه سرا در دوره های اول تا سوم در شخص نماینده هیچ تغییری نداشته است (نقشه شماره ۶).



شکل شماره ۶. نقشه بررسی حوزه های ایستا از نظر نماینده در ۸ دوره انتخابات پارلمانی در استان گیلان

ایستا از نظر جناح و نماینده

حوزه رودسر از دوره دوم تا پنجم و حوزه صومعه سرا در دوره های اول تا سوم در انتخاب شخص و جناح نماینده هیچ تغییری نداشته اند. و سایر حوزه ها حالت کاملاً ایستایی در شخص و جناح نماینده مشهود نبود (نقشه شماره ۷).



شکل شماره ۷. نقشه بررسی حوزه های ایستا از نظر جناح و نماینده در ۸ دوره انتخابات پارلمانی در استان گیلان

نتیجه گیری

اول آنکه: در جوامع دموکراتیک احزاب سیاسی با رویکردی بلند مدت بوجود می آیند. لیکن با توجه به جوان بودن احزاب سیاسی پس از انقلاب اسلامی بررسی وضعیت احزاب ایران در یک مدت کوتاه بسیار کار مشکل و موشکافانه ای است. لذا بهترین گزینه آن است که این احزاب را در غالب طیف ها جریان های سیاسی و جناح های سیاسی وابسته آن ها مورد بررسی قرار داد. چنانکه در این تحقیق از همین روش استفاده شد.

دوم آنکه: با توجه به گرایش جناحی نمایندگان در استان گیلان؛ بیشترین نقش و فعالیت را در طی این ۸ دوره انتخابات پارلمانی جناح روحانیت (راست) داشته است. بنابراین قدرت جناح روحانیت (راست) در پیشبرد اهداف خود در استان بسیار زیاد بوده و احتمال این که در آینده در استان گیلان جناح روحانیت تمامی قدرت و کرسی پارلمانی را در اختیار داشته باشد بسیار بالا است. چنانکه در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی تمامی کرسی پارلمان را در استان گیلان جناح روحانیت (راست) در اختیار داشت.

سوم آنکه: در بررسی حوزه های ایستای استان گیلان مشخص شد که جهت سیاسی مردم و نمایندگان فعال در اکثر حوزه های انتخابیه چون رودسر؛ صومعه سرا؛ بندرانزلی، لاهیجان، تالش در طی دوره های مختلف انتخابات پارلمانی متمایل به جناح روحانیت (راست) می باشد. که این موضوع نیز دلیلی دیگر بر قدرت و نفوذ جناح روحانیت (راست) در استان گیلان می باشد.

چهارم آنکه: با توجه به چرخش جناحی نمایندگان در ۸ دوره انتخابات پارلمانی بعضی از حوزه های انتخابیه از نظر جناح مانند حوزه های بندرانزلی در دوره اول تا سوم، لاهیجان از دوره دوم تا هشتم، صومعه سرا در دوره های اول تا سوم و سپس از دوره ششم تا هفتم، تالش از دوره اول تا چهارم و فومن از دوره سوم تا پنجم؛ و از نظر نماینده حوزه های رودسر از دوره ی دوم تا پنجم و صومعه سرا از دوره اول تا سوم؛ و از نظر جناح و نماینده حوزه های رودسر از دوره ی دوم تا پنجم و صومعه سرا از دوره اول تا سوم، ایستا و بقیه حوزه ها پویا شناخته شدند. لذا جناح های رقیب در استان گیلان می توانند با شناسایی این مناطق در انتخابات آینده موفق تر عمل نمایند.

منابع

۱. احمدی، علی (۱۳۸۹): انتخابات در ایران، نشر میزان.
۲. اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴). کتاب گیلان (نمایندگان گیلان)، چاپ گروه پژوهشگران ایران.
۳. امیر انتخابی، شهرام (۱۳۸۷): جغرافیای تاریخی گیلان، چاپ فرهنگ ایلیا.
۴. امین، سید حسن (۱۳۸۰): تاریخچه جمهوری خواهی در ایران، فصل نامه علمی ترویجی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۴-۳.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۷): دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، چاپ پنجم، نگاه معاصر.
۶. بیشه ور، احمد (۱۳۸۵): احزاب سیاسی تولد و ساختار، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، سال دوم، شماره ۳.
۷. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۲): جغرافیای انتخابات، مجله علمی و پژوهشی پژوهش های جغرافیایی، سال بیست و پنجم، شماره ۳۳.

۸. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۹): کردستان در مسیر مشارکت سیاسی، مجله علمی و پژوهشی پژوهش های جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره ۳۹.
۹. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۹): پویای انتخابات پارلمانی در اردکان میبد، مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۶؛ دوره ۴۴.
۱۰. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۹): جغرافیای انتخابات پارلمانی ایران، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
۱۱. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۰): سیمای جغرافیایی انتخابات پارلمانی استان همدان، مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۵۹-۱۵۸، دوره ۴۷-۴۶.
۱۲. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۰): انتخابات و پویای جغرافیایی آن در سیستان و بلوچستان، مجله علمی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۰، دوره ۴۸.
۱۳. پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۲): مشارک افراد در توسعه سیاسی و رفتار انتخاباتی در شهرستان اصفهان، مجله علمی و پژوهشی پژوهش های جغرافیایی، سال سی و پنجم، شماره ۴۴.
۱۴. پیشگاهی فرد، زهرا و حیدر لطفی (۱۳۸۶): تحلیلی بر مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری ایران (مطالعه موردی سمنان)، مجله علمی و پژوهشی سرزمین، سال چهارم، شماره ۱۵.
۱۵. تیلور، پی. جی. و آر. جی. جانسون (۱۳۸۶): جغرافیای انتخابات؛ ترجمه ی زهرا پیشگاهی فرد، رسول اکبری، نشر قومس.
۱۶. حاج سید جوادی، حسن (۱۳۷۴): کتاب گیلان (سیر تقسیمات کشوری در گیلان)، چاپ گروه پژوهشگران ایران.
۱۷. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱): جغرافیای سیاسی ایران، چاپ سمت.
۱۸. حافظ نیا، محمدرضا و مراد کاویانی راد (۱۳۸۳): افق های جدید در جغرافیای سیاسی، چاپ سمت.
۱۹. حمزه، فرهاد (۱۳۸۶): ایستایی و پویایی قلمرو های انتخاباتی کشور از منظر جغرافیای سیاسی، استاد راهنما دکتر زهرا پیشگاهی فرد؛ رساله دکتری؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲۰. رحمدل، غلامرضا (۱۳۷۲): مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی فرهنگ و ادبیات گیلان، چاپ جهاد دانشگاهی گیلان.
۲۱. سالنامه آماری استان گیلان (۱۳۷۸): سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان.
۲۲. سعیدی، گلناز (۱۳۸۲): احزاب سیاسی ایران امروز، ماهنامه ی علمی و ترویجی اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هجدهم، شماره ۱۹۴-۱۹۳.
۲۳. شادلو، عباس (۱۳۸۷): اطلاعاتی در مورد جناح های سیاسی در ایران، چاپ سوم، نشر وزراء.
۲۴. شهرام نیا، سید امیر مسعود (۱۳۸۵): جهانی شدن و دموکراسی در ایران، نشر نگاه معاصر.
۲۵. عظیمی دوبخشری، ناصر (۱۳۸۱): تاریخ تحولات اجتماعی - اقتصادی گیلان، نشر گیلکان.

۲۶. قمری، حسن (۱۳۸۷): احزاب در ایران، استاد راهنما دکتر زهرا پیشگاهی فرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۲۷. کاکس، کوین (۱۳۸۷): مجموعه مقالات جغرافیای سیاسی: نظریه های انتقادی در علوم اجتماعی، ترجمه ی زهرا پیشگاهی فرد، حیدر لطفی، ناصر سلطانی، چاپ مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۲۸. لاکوست، ایو و بتتیس ژیلن (۱۳۷۸): عوامل و اندیشه های ژئوپلیتیک، ترجمه ی علی فراستی؛ نشر آزمون.
۲۹. مرتجی، احمد (۱۳۷۸): جناح های سیاسی در ایران امروز، نشر نقش و نگار.
۳۰. مویر، ریچارد (۱۳۷۹): درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه ی دره میرحیدر، سید یحیی صفوی، چاپ سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳۱. نوایی، بهرام (۱۳۷۷): مصاحبه با استاد جعفر خمami زاده؛ فصلنامه پژوهشی، فرهنگی، اجتماعی فرهنگ گیلان، سال اول؛ شماره ۱.
۳۲. نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸): احزاب سیاسی و گروه های ذی نفوذ، نشر قومس.

33. Agnew, John and Katharyne Mitchell and Gerard Toal (2008): A Companion to Political Geography, Blacwell publishing.
34. Norton, William (2007): Human Geography, Oxford University Press.
35. Short, John Rennie (1993): An Introduction To Political Geography; London: Routledge.
36. [http:// www.elsevier.com](http://www.elsevier.com). Josep M. Colomer. On the origins of electoral systems and political parties: The role of elections in multi-member districts. 2006.02.02
37. <http://www.majles.ir>.